

بررسی تکنیک‌های معطوف به خشونت علیه زنان در نافرمانی مدنی در شبکه‌های اجتماعی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

فاطمه کریمی دردشتی*

چکیده

در عصر حاضر با ظهور شبکه‌های اجتماعی، زنان در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی با هدف اثرگذاری بر ذهن و قلب مخاطب مشغول به کنشگری شدند. برخی از آنان باهدف نافرمانی مدنی در راستای مخالفت با احکام اسلام، قوانین جمهوری اسلامی و رویه حکومتی در فضای مجازی به‌گونه‌ای تولید محتوا می‌نمایند تا با دلسرد کردن زنان نسبت به جمهوری اسلامی و دین اسلام سبب پیوستن به کمپین‌های مخالف به‌خصوص انقلاب زنانه شوند. "انقلاب آتی، انقلاب زنانه است" شعاری است که اکثر زنان فعال در این حوزه به کار می‌برند. یکی از محورهای اصلی فعالیت آنان، خشونت علیه زنان است که علت آن را دین اسلام یا جمهوری اسلامی جلوه می‌دهند.

از این رو در پژوهش حاضر ۵۰ صفحه اینستاگرامی زنان فعال در این حوزه با روش گلوله برفی شناسایی و پست‌ها و استوری‌های آنان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش تحقیق این پژوهش تحلیل مضمون است. شبکه مضامین این پژوهش شامل (۱) خشونت خانگی (۲) خشونت حکومتی (۳) خشونت عمومی می‌باشد. هر یک از مضامین اصلی شامل چند مضمون فرعی است و برای هر یک از آنان مصادیقی ذکر شده است. زنان فعال در این حوزه جهت اقناع مخاطب از تکنیک‌هایی استفاده می‌نمایند؛ در این راستا استخراج تکنیک‌ها در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: خشونت علیه زنان، نافرمانی مدنی، زنان، شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی.

مقدمه

خشونت علیه زنان به عنوان اصطلاحی تخصصی، یکی از محورهای اصلی زنان فعال در حوزه نافرمانی مدنی است. نافرمانی مدنی زمانی رخ می‌دهد که محتوا خلاف رویه حکومتی، احکام اسلامی یا قوانین جمهوری اسلامی باشد. زنان فعال در این حوزه با تمرکز بر مسئله خشونت سعی در خدشه وارد کردن به دین و جامعه اسلامی دارند؛ زیرا طبع انسان خشونت را نمی‌پذیرد و نسبت به آن نفرت دارد و یک امر ناپسند در برابر عقل تلقی می‌شود. در صورتی که اسلام حرفی یا قبیحی که سبب خشونت به زن یا مرد باشد را قبول نمی‌کند؛ زیرا اسلام دین فطرت است. فطرتی که خداجو است. این در حالی است که کنشگران در حوزه نافرمانی مدنی انواع خشونت را به اسلام و جمهوری اسلامی ربط می‌دهند تا با اسلام‌هراسی دشمن‌سازی نمایند. خشونت می‌تواند کلامی، جسمی و جنسی باشد. نافرمانان مدنی در این راستا جنبشی با عنوان «من هم^۱» راه انداخته‌اند که آزارهای جنسی قربانیان ایرانی را در اصناف مختلف را روایت می‌کند. از تابستان ۱۳۹۹ در توئیتر فعال شد و سپس روایتگری در اینستاگرام آغاز شد. نحوه روایتگری و افشاگری به گونه‌ای است که نقدهای بسیاری به آن وارد است. یکی از پیامدهای این جنبش ایجاد ناامنی، ترس و نگرانی نسبت به جامعه در خانواده‌ها می‌باشد. خشونت علیه زنان شامل سه مضمون اصلی (۱) خشونت خانگی (۲) خشونت حکومتی (۳) خشونت عمومی می‌باشد که هر یک اقسام مختلفی دارد و در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در حوزه نافرمانی مدنی و شبکه‌های اجتماعی و خشونت علیه زنان به شرح ذیل می‌باشد:

۱. سید جواد ورعی (۱۳۹۴) در کتاب «بررسی فقهی فرمان‌برداری و نافرمانی مدنی» از منظر فقهی و فلسفی نافرمانی مدنی را مورد بررسی قرار داده است و با بیان مفاهیم فرمان‌برداری مدنی، مقاومت مدنی، انقلاب، شورش و بغی به وجه تمایز با نافرمانی مدنی اشاره می‌کند که نقطه قوت کتاب است اما نافرمانی مدنی از منظر اجتماعی و فرهنگی در این کتاب مغفول باقی می‌ماند.

۲. ابراهیم شفیعی سروستانی (۱۳۹۶) در کتاب «جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران» به طور جامع جریان‌ات مختلف دفاع از حقوق زنان از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵ را با در نظر گرفتن اهداف غرب از همسان‌سازی یعنی اهداف سیاسی و اهداف اقتصادی با بیان «ابزار و روش‌های همسان‌سازی فرهنگی» شامل وسایل ارتباط جمعی، بنیادها و مؤسسات به ظاهر فرهنگی و میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی را تحلیل کرده است. در ادامه به جریان سیاسی دفاع از حقوق زنان، جریان غیردینی (سکولار) دفاع از حقوق زنان و جریان دینی دفاع از حقوق زنان را تبیین نموده است.

۳. سید وحید عقیلی و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی اهداف آشکار و پنهان شبکه‌های اجتماعی» با در نظر گرفتن انواع و ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی، اهداف آشکار و پنهان آن را تحلیل و تبیین کرده است. «اهداف آشکار» شامل سازمان‌دهی انواع گروه‌های اجتماعی مجازی، انتشار سریع و آزادانه اخبار و اطلاعات، افزایش قدرت تحلیل و تقویت روحیه انتقادی، توسعه مشارکت‌های اجتماعی، به اشتراک گذاشتن علاقه‌مندی‌ها توسط اعضا و «اهداف پنهان» شامل تبلیغات هدفمند اینترنتی، مجازی و جهانی‌سازی، شبکه‌های اجتماعی جایگزین سازمان ملل،

مدیریت زمان واقعی جهان فقط با چند کلیک، کنترل دولت‌ها، گسترش فرهنگ دموکراتیک است. در این مقاله مزایای شبکه‌های اجتماعی را بیشتر از معایب آن تلقی می‌کند و در پایان باهدف مصون ماندن کاربران شبکه‌های اجتماعی از آسیب‌های احتمالی و بهره‌برداری از مزایای آن پیشنهادهایی را ارائه می‌دهد؛ از جمله این پیشنهادها شامل فرهنگ‌سازی، ایجاد و راه‌اندازی شبکه اجتماعی سالم، آموزش سواد دیجیتال و سواد اینترنتی، تقویت شبکه‌های اجتماعی بومی، مقابله با نشر شایعات، نظارت کارشناسانه و گسترش آزادی‌های مدنی در چارچوب قانون اساسی است.

روش تحقیق

در تحقیقات کیفی، تحلیل مضمون به‌عنوان یکی از تکنیک‌های تحلیلی به حساب می‌آید. این روش امروزه، به‌عنوان یک روش تحلیل داده در پژوهش‌های علوم اجتماعی در سطح بین‌المللی و ملی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در همین راستا، استفاده از آن در حوزه علوم انسانی و اجتماعی رو به افزایش است. این روش، فرایندی جهت تحلیل داده‌های متنی است که داده‌های متنوع و پراکنده را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. جهت شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی از تحلیل مضمون استفاده می‌شود. در این روش مطالعه متن، برداشت مناسب از اطلاعات با ظاهری نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی و مشاهده نظام‌مند شخص به ترتیب صورت می‌گیرد.^۱

شبکه مضامین پژوهش حاضر با بررسی پست‌ها و استوری‌های صفحات اینستاگرامی استخراج شده است.

شبکه مضامین

۱- خشونت خانگی

خشونت خانگی به‌عنوان اولین مضمون اصلی در خشونت علیه زنان، رفتاری خشونت‌آمیز و سلطه‌گرانه یک عضو خانواده نسبت به عضو دیگر است که در این پژوهش علیه زنان مدنظر است. خشونت خانگی شامل سه مقوله فرعی (۱) قتل (۲) خشونت جنسی (۳) حق تمکین می‌باشد که بعضی از زنان فعال در حوزه نافرمانی مدنی سعی دارند اسلام و قوانین جمهوری اسلامی را به‌عنوان عامل اصلی اقسام مختلف خشونت خانگی جلوه نمایند.

۱-۱- قتل

اولین مضمون فرعی در خشونت خانگی، قتل است که اقسام مختلفی را شامل می‌شود. زن توسط همسر یا دختر توسط پدر یا برادر به قتل می‌رسد که هر یک به بهانه‌ای صورت می‌گیرد. پست ذیل از تکنیک‌های برچسب‌زنی، تحریک احساسات و عواطف، اغراق، جوسازی، ایجاد ترس، جهت‌دار کردن، ایجاد حس یأس و ناامیدی و لبه پرتگاه استفاده نموده است:

پست (۱) قتل

Samaneh_savadi	سمانه سوادى
<p>چشم‌های روشنی که به دلیل زن بودن و به بهانه ناموس و غیرت خاموش شدند. آخرین نمونه مونا حیدری است. کودکی ازدواج کرده و مادر می‌شود و در ۱۷ سالگی به دست همسرش به قتل می‌رسد. زن جوانی که مردسالاری و قوانین شریعت آن‌قدر گلویش را فشردند تا جان داد.</p> <p>مونا حیدری قربانی ازدواج کودکان شد. قوانین کشور نه‌تنها این خشونت آشکار را ممنوع نمی‌کند، بلکه ازدواج کودکان توسط کتاب‌های درسی و رسانه تبلیغ می‌شود و طرح ممنوعیت ازدواج کودکان مخالفان سرسخت، به‌ویژه بین برخی از مذهبیان دارد.</p> <p>مونا در همان کودکی باردار می‌شود و زایمان می‌کند و مسئولیت بسیار سنگین والدگری بر دوشش می‌افتد. حکومت مشوق و مبلغ ازدواج کودکان که همان سپردن کودکان به بستر تجاوز و آزار جنسی است، نه‌تنها آموزش</p>	

روش‌های جلوگیری از بارداری را از این کودکان دریغ می‌کند، بلکه توزیع رایگان وسایل جلوگیری از بارداری را نیز ممنوع می‌کند. همین‌طور مادری را کمال و وظیفه زن معرفی می‌کند.

مونا در آخرین اپیزود زندگی سرشار از خشونتش، به دست همسرش به قتل رسیده و مثله می‌شود. قاتل بدن مثله شده مونا را به‌عنوان نشانی از غیرتش در کوچه می‌چرخاند. در کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی پایه دوازدهم آمده اصلی‌ترین معیار برای مرد زندگی ۱: عقل معاش و ۲: اقتدار و غیرت. در تعریف غیرت گفته: غیرت به معنای حفظ و حمایت از ناموس است. مرد غیرتمند علاوه بر حساس بودن به نسبت به پوشش و آرایش زنان در جامعه، همیشه به دنبال آن است باری از دوش زنان بردارد. نه‌تنها غیرت و ناموس‌پرستی را به پسران و مردان آموزش می‌دهند و دختران و زنان را به‌تبعیت از آن تشویق می‌کنند، مانع تصویب قوانین منع هرگونه خشونت علیه زنان و مجازات‌های متناسب برای خشونت‌گران می‌شوند. در سایر قوانین موضوعه نیز زن را به‌مثابه ملک مرد می‌نگرند.

مونا و آنچه بر او گذشت چکیده‌ای از سیاست‌های زن‌ستیز، واپس‌گرا و متحجرانه جمهوری اسلامی است. استمرار این سیاست‌ها ممکن نمی‌بود مگر با همدستی زن‌ستیزان. همان‌هایی که امروز و پس‌ازاین وقایع نیز زنان را مقصر می‌دانند و علیه فمینیست‌ها و فعالان حقوق زنان لگدپرانی می‌کنند. در آینده به خود بنگرید و خودتان همدستی‌تان با این ساختار زن‌بیزار را قضاوت کنید.

ویدئو @cheraghacademy :

#مونا_حیدری #زن_کشی #ناموس #غیرت

پست ذیل مصداق دیگری از قتل است که با استفاده از تکنیک‌های برچسب‌زنی، اغراق، دروغ بزرگ، تحریک احساسات و عواطف، جوسازی، جهت‌دار کردن، افکار تحریف‌شده، تحریک احساسات و عواطف، القاء غم، ایجاد ترس، ایجاد حس ناامیدی و یأس و دشمن‌سازی و اهانت به اسلام به دنبال سیاه‌نمایی و اسلام‌هراسی می‌کند:

پست (۲) قتل

Atieh.niknafas	عطیه نیک نفس
<p>✓ سربریدن به پشتوانه اسلام</p> <p>مونا حیدری کودک همسری که در سن ۱۵ سالگی به پسرعمویش شوهر داده می شود و در ۱۷ سالگی توسط همان پسرعمو به نام "غیرت" سرش بریده می شود.</p> <p>یک دین ایدئولوژیک تا کجا می تواند متوحش باشد که چنین جنایت‌هایی را رقم بزند. این همان اسلام واقعی ست که کلمات منحوسی چون ناموس و غیرت را تولید و پرورش می دهد.</p> <p>با در قدرت بودن اسلام است که هرروزه در کشورهای اسلام زده شاهد چنین زن کشی‌هایی هستیم.</p> <p>کودک ۱۵ ساله چطور می تواند درک درست و دقیقی از زندگی مشترک داشته وقتی هنوز دنیای پیرامونش را نشناخته! مونا حیدری نه تنها برمنای قوانین سخیف و کثیف اسلام در کودکی شوهر داده می شود بلکه همان پدر و برادری که او را شوهر دادند باعث بازگشت او می شوند و او را به راحتی به مسلخ گاه می فرستند. شوهر هم به پشتوانه همین قوانین زن ستیزانه با توحش کامل سر او را از بدنش جدا می کند.</p> <p>زن از نگاه اسلام اموال پدر، برادر و شوهر محسوب می شود و آن‌ها حق قانونی دارند که او را کتک بزنند، شکنجه کنند، مجبور به ازدواج و سکس کنند و در آخر نیز به وحشیانه‌ترین شکل ممکن او را بکشند.</p> <p>قوانین در ایران اسلام زده، ایران تحت حکومت رژیم فساد، جنایت و البته زن ستیز اسلام، کاملاً از قاتلانی همچون شوهر مونا، پدر رومینا، برادران محمدرضا و... حمایت می کند.</p> <p>قاتل مونا در واقع جمهوری اسلامی است که با چنین قوانین ضد انسانی دست را برای هرگونه تعرض به حقوق زنان، حتی گرفتن جان از آن‌ها نه تنها باز می گذارد بلکه تشویق به زن کشی می کند.</p> <p>جمهوری اسلامی همیشه از تمام توانش برای نفرت پراکنی علیه زنان و هرچه قدرتمند کردن تأثیر کلمات ضدزنی همچون "غیرت" و "ناموس" استفاده می کند.</p> <p>از کتب درسی عکس دختر بچه‌ها را پاک می کند، دختران بسیار کوچک باید با حجاب کامل به مدرسه بروند، کودک همسری کاملاً تشویق می شود و قانونی ست و... .</p> <p>از طرفی دیگر دول اروپایی باید از شرم بمیرند که از سر منفعت طلبی چشم بر چنین سببیتی می بندند و با وجود رخ دادن چنین فجایع وحشتناکی در کشورهای اسلام زده، با دانستن حتی جزئیات آن‌ها، برای رژیم زن ستیز اسلامی فرش قرمز پهن می کنند و در کمیسیون زنان سازمان ملل عضو می کنند.</p>	

زن ناموس هیچ‌کس نیست، غیرت واژه‌ای زشت و متحجر است که فقط برای تسلط بر زنان و گرفتن حقوقی انسانی‌شان ساخته شده. اسلام دین کثیف و ضدزنی است که با تفکرات نرینه سالارش هرگونه توهین، تحقیر، سرکوب و کشتار زنان را قانونی و عادی‌سازی می‌کند.
قتل مونا حیدری یک قتل وحشیانه‌ی سیستماتیک است و مسئول و مسبب آن فقط و فقط جمهوری متوحش اسلامی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱-۲- خشونت جنسی

دومین مضمون فرعی در خشونت خانگی، خشونت جنسی توسط محارم است که اخیراً در رسانه‌ها به خصوص خبرگزاری‌ها مطرح می‌شود. نافرمانان مدنی با تمرکز بر این موضوع، جمهوری اسلامی را مسبب آن جلوه می‌دهند. پست ذیل از تکنیک‌های تحریک احساسات و عواطف، اغراق، القاء غم، ایجاد ترس، ایجاد یأس و ناامیدی، بحران‌سازی تصنعی و تظاهر به یکپارچگی استفاده نموده است:

پست (۳) خشونت جنسی

shaghayeghnorozi	شقایق نوروزی
<p>کشته شدن زن به دست مردان اطرافش نوک قله خشونت است، آن آخرین پله هرم «زن بی‌زاری» ست.</p> <p>مهم است که یادمان نرود پشت سر این فاجعه یک مسیر است، پشت سر این تصویر وحشت هزار تصویر دیگر بوده. هیچ مردی صبح بلند نمی‌شود و بدون آنکه هیچ علائمی خشونت‌ورزانه‌ای در قبل علیه آن زن بروز داده باشد، یک‌هو سر زن را ببرد.</p> <p>این مهم است که ما مسیر را ببینیم. تمام آن آجرهایی که کنار هم گذاشته شد. از خشونت علیه فرزند دختر گرفته تا قانون کودک همسری. از قانون اجبار پوشش و قانونی بودن مالکیت بر بدن زن گرفته تا قوانین ناعادلانه ازدواج، از عادی‌سازی خشونت جنسی تا عدم دسترسی زنان به کار و سرمایه؛ و البته جامعه‌ای که در تثبیت این رویه نقش دارد.</p> <p>به فاجعه مرگ این دختر هفده‌ساله که فکر می‌کنم نمی‌توانم به مسیر پشت سر این فاجعه فکر نکنم. زنان قبل کشته شدن یک‌عمر شکنجه را زیست می‌کنند. خشونتی که زیر سایه بی‌تفاوتی جامعه روزبه‌روز بزرگ‌تر می‌شود را زیست می‌کنند.</p> <p>زنان یک‌شبه کشته نمی‌شوند و مهم است که ما یادمان نرود هرکدام ممکن بود در جایی بتوانیم این مسیر را متوقف کنیم.</p> <p>مهم‌ترین هشدار جنبش‌های مترقی زنان همین است. جنبش‌های معاصر مانند #می_تو وقتی می‌گویند «قربانی نكوهی باید متوقف شود» وقتی می‌گویند «فضای روایتگری باید امن شود»، وقتی شعار جنبش این فریاد است که «ما باورت داریم!» حتی اگر جهانی نداشته باشد. ما باید مسیر ساخت خشونت که پشت درهای بسته پنهان می‌ماند را متوقف کنیم.</p> <p>خوب است که مثل خواب‌زده‌ها نپریم که وای سرش را بریدند و چه وحشتناک، مسیر این سربریدن جلوی چشم همه ما بوده اگر خودمان را به ندیدن نزنیم.</p> <p>#زن_کشی</p>	

پست ذیل مصداق دیگری از خشونت جنسی است که از تکنیک‌های برچسب‌زنی، تحریک احساسات و عواطف و اغراق استفاده می‌نماید:

پست (۴) خشونت جنسی

nazvandbahari	نازوند بهاری
<p>۱- جامعه‌ی مردسالار تلاش می‌کند با مقصر جلوه دادن قربانیان تعرض یا تجاوز جنسی و خفه کردن صدای آن‌ها به حیات خود ادامه داده و با لحاظ همیشگی تقصیر قربانی، عنوان متجاوز را از پیشانی خود پاک کند. چنین جامعه‌ای خود را محق می‌داند که نوع پوشش قربانی، مراوداتش و تصمیم‌های شخصی زندگی او را قضاوت کرده و به تبع آن بر جنایت خود سرپوش بگذارد. بدیهی است که در این جامعه پنهانی‌ترین وجه خشونت در خفا و یا در بستر رخ می‌دهد بی‌آنکه زن بداند مورد خشونت، تعرض یا تجاوز واقع شده و یا در صورت آگاهی نیز تمایلی به افشای آن داشته باشد.</p> <p>۲- عامه تصور می‌کنند اگر میان متجاوز و قربانی رابطه‌ای قراردادی بر مبنای رضایت برقرار باشد، می‌بایست از به کار بردن لفظ تجاوز پرهیز کنند؛ به‌واقع اما هرگاه پارتنر/ دوست‌پسر/ همسر از قدرت، نفوذ و یا توان جسمی خود در جهت نزدیکی اجباری بهره‌بردار ما با پدیده‌ی «تعرض یا تجاوز جنسی» روبه‌رو هستیم. بنابراین از آنجاکه تجاوز جنسی به «نزدیکی جنسی با فردی بدون رضایت او» اطلاق می‌شود؛ عناوین قراردادی از قبیل پارتنر، دوست‌پسر و ... یا حتی سابقه‌ی رابطه‌ی جنسی با رضایت، میان همین دو نفر، مانع از آن نمی‌شود که پس از اعلام ناراضیتی زن، نزدیکی بعدی صورت گرفته از روی اجبار را تجاوز بدانیم.</p> <p>۳- قانون، تجاوز به عنف و اکراه را موجب اعدام متجاوز دانسته و همچنین بیان می‌کند «که هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم تجاوز به عنف است»؛ بنابراین در هیچ‌کجای قانون نوشته‌نشده که اگر پوشش زن نامناسب باشد، متجاوز اعدام نمی‌شود یا عنوان مجرمانه‌ی تجاوز از این عمل برداشته خواهد شد.</p> <p>۴- قانون در مورد تجاوز به همسر ساکت است؛ اما زن می‌بایست بداند چنانچه نزدیکی باوجود اعلام ناراضیتی وی و با جبر رخ دهد این عمل مصداق بارزی از خشونت خانگی ست. درواقع این پدیده ترکیبی ست از تجاوز، خشونت خانگی و سوءاستفاده‌ی جنسی.</p> <p>۵- تأکید می‌کنم که اگر میان قربانی و متجاوز رابطه‌ای وجود داشته باشد که قانون آن را نامشروع بداند، دادگاه از وارد شدن به جرم «رابطه‌ی نامشروع» منع شده و صرفاً به شکایت طرح‌شده در خصوص تجاوز رسیدگی خواهد کرد.</p> <p>اگر همچنان قربانی تجاوز یا تعرض جنسی را مقصر می‌دانید، اگر زنان دیگر را قضاوت کرده و برای آن‌ها سهمی در قربانی بودن در نظر می‌گیرید، اگر همچنان قائل به این امر هستید که در چنین پدیده‌ای «قربانی خودش خواسته چنین شود»، بدانید شما پاسدار فرهنگ مردسالاری بوده و قطعاً در این ابتذال سهمیم هستیم</p>	

۱-۳- حق تمکین

سومین مضمون فرعی در خشونت خانگی، حق تمکین است. زن و مرد پس از ازدواج، هر یک وظایفی را در قبال یکدیگر به عهده دارند. قانون مدنی برای وظایف مشترک زوجین از اصطلاح تمکین استفاده نموده که شامل انواعی همراه با مصادیق می باشد. در صورتی که هرکدام از زوجین وظایف را به درستی ایفا نکند، با استناد به آن می تواند به صورت قانونی آن را مطالبه کند. در همین راستا زنان فعال در حوزه نافرمانی مدنی، حق تمکین را به عنوان سلطه گری جنسی یا تجاوز زناشویی تلقی می کنند. پست ذیل یکی از مصادیقی است که از تکنیک های برچسب زنی، اغراق، تحریک احساسات و عواطف، ایجاد ترس، القاء غم و ایجاد یأس و ناامیدی استفاده نموده است:

پست (۵) حق تمکین

Nedahabibi313110	ندا حبیبی
<p>#سلطه_گری_جنسی #تجاوز:</p> <p>به معنی انجام نزدیکی جنسی با فرد، بازور و بدون رضایت او است. تجاوز جنسی تنها یک حمله فیزیکی و جنسی نیست، بلکه آسیب عمیق روحی و روانی به همراه دارد. به شخصی که این عمل را مرتکب می شود تجاوز گر یا متجاوز می گویند.</p> <p>متجاوز:</p> <p>فردی است که به اجبار با شخص دیگری عمل جنسی انجام می دهد. این افراد دچار نوعی انحراف جنسی هستند که در مواجهه با قربانیانی که سعی می کنند در مقابل متجاوز مقاومت کنند واکنش شدیدتری انجام می دهند. چون این افراد بیمار برای اثبات سلطه گری خود نسبت به افراد ضعیف تر، از تجاوز استفاده می کند و نه صرفاً رفع نیاز جنسی! متجاوز می تواند پدر، پسر، برادر همسر و یا یک فرد غریبه باشد.</p> <p>تجاوز زناشویی:</p> <p>تجاوزی است که توسط شوهر انجام می شود و غالباً در مواردی است که مرد عصبانی از عدم موفقیت خود در سلطه به زن انجام می دهد و با خشونت و انحصار بدن زن تلاش می کند سلطه خود را به او اثبات کند. تجاوزات زناشویی به دلیل عدم توجه قانون گذاران ایران در قوانین کشور به عنوان یک حق به مردان داده شده و هیچ زنی نمی تواند از حمله جنسی خشونت بار شوهرش و آسیب های فراوان روحی و روانی که به او وارد شده به دادگاه مراجعه کند و از همسر خود شکایت کند؛ زیرا در قوانین ایران تمکین جنسی</p>	

در هر حالتی و هر وضعیتی جز وظایف اصلی زن به حساب می‌آید تا جایی که در صورت سربرازدن زن از رابطه مرد می‌تواند خوراک و پوشاک را از زن سلب کند. این قوانین زن را به‌عنوان برده جنسی آماده می‌دانند. اما از بدماجرا در جامعه مردسالار مردان و زنانی وجود دارند که محرمیت بین زن و مرد را لازمه هرگونه رفتار جنسی با زن می‌دانند؛ و تجاوز را جز حقوق اصلی مرد می‌دانند. باید گفت ملاک تجاوز به یک زن فقط معیار غریبه و نامحرم بودن نیست بلکه حتی همسر اگر بدون رضایت و بدون آمادگی بدنی و روحی زن و حتی با اجبار عاطفی و روحی قرار دادن زن اقدام به عمل جنسی کند به‌عنوان متجاوز محسوب می‌شود. مثلاً اگر مردی شریک عاطفی‌اش را تهدید کند که در صورت عدم انجام عمل جنسی او را ترک خواهد کرد یا نفقه او را قطع خواهد کرد و یا به او خیانت خواهد کرد و یا زن را کتک خواهد زد به‌عنوان یک متجاوز به حساب می‌آید، زیرا با توجه به عدم رضایت#زن، او را در وضعیت عدم امنیت روانی قرار می‌دهد و بازم نیاز به سلطه‌جویی خود را در این اقدامات ارضا خواهد کرد. توجه به تجاوز زناشویی از سمت قوانین و حمایت قانون‌گذاران از جمله حقوقی است که باید به آن پرداخته شود و زنان مبتلا را از این شرایط پر از فشار روحی و جسمی در منزل نجات دهند#ندا_حبیبی#خاتون#نگار_جواهریان

پست ذیل یکی از مصادیق حق تمکین است که از تکنیک‌های مقایسه، شدت و اغراق، جوسازی، برچسب‌سازی، ایجاد حس یأس و ناامیدی، القاء غم، تکرار، تحریک احساسات و عواطف، ارائه اطلاعات گزینش‌شده، بحران‌سازی تصنعی، لبه پرتگاه و واژه‌های هم‌سنخ استفاده نموده است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پست (۶) حق تمکین

Parastu.farrokhi	پرستو فرخی
<p>حقوق مردان به زبان ساده:</p> <ul style="list-style-type: none"> - حق طلاق برای مرد/دسترس ناپذیری مهریه برای زن - حق ازدواج مجدد، ازدواج موقت، صیغه برای مرد/تک‌همسری برای زن - لغو حبس و زندان برای مرد/تمدید حبس زن با قوانین مردسالار برای زن نظیر فقدان حق طلاق - حق تجاوز در بستر زناشویی برای مرد/تمکین برای زن - دیه دوبرابر برای مرد/دیه نصف برای زن - سهم‌الارث دوبرابر برای مرد بعد از فوت همسر/سهم‌الارث نصف برای زن بعد از فوت همسر - ارث دوبرابر بعد از فوت والدین برای برادر/ارث نصف بعد از فوت والدین برای خواهر - نان‌آوری و پیشرفت اقتصادی برای مرد/خانه‌داری و کار بی‌حیره موجب و درجا زدن برای زن - ۹ ماه بارداری و تحلیل جسمی و روحی برای زن/ولایت برای مرد - حق تمتع جنسی بینهایت برای مرد (الزام به تمکین زن بلافاصله بعد از درخواست همسر)/اختگی، حیا و پاکدامنی برای زن (حق درخواست طلاق ۶ ماه بعد از غیبت ممتد همسر) - مالکیت تام پدری برای مرد/بی‌حقی مادر در برابر فرزند حتی بعد از فوت همسر برای زن - بی‌قیدی برای مرد/اخلاق برای زن - نام خانوادگی فرزند متعلق به مرد/بچه‌داری و فرزندپروری متعلق به زن - حق تحصیل و اشتغال و استقلال برای مرد/وابستگی برای زن - ریاست خانواده برای مرد/تمکین عام و خاص برای زن - آزادی جنسی پیش از ازدواج برای مرد/باکری برای زن - سود پدری برای مرد/خسارت مادری برای زن - حق چندهمسری با حکم ناشزگی برای مرد/نفقه مشروط به تمکین خاص برای زن - حق جابجایی آزاد برای مرد/سلب حق خروج از کشور و حتی حق خروج از منزل! برای زن - حق تقسیط و تعیین سقف مهریه برای مردان/بی‌حقی مطلق در جرح و تعدیل حق طلاق برای زن - حق بر بدن تمام برای مرد/بی‌حقی تمام بر بدن (بارداری/زایمان/تمکین/تجاوز در بستر زناشویی/فقدان حق عمل جراحی بدون رضایت همسر) برای زن 	

<p>- حق پدر شدن بلامنازع برای مرد (الزام زن به تمکین و تجاوز به بدن زن و بارداری)/افقدان حق مادر شدن برای زن</p> <p>- در یک کلام ارباب بودن برای مرد/بردگی برای زن</p> <p>♦ جالب اینکه:</p> <p>- حق تجمع و اعتراض برای مرد/مجازات تجمع برای زن</p> <p>- مظلومیت برای مرد/ظالم بودن برای زن</p> <p>- زنده باد حقوق مردان برای مرد/مرگ بر فمینیسم برای زن!</p> <p>تمامی حقوقی هم که به زن داده شده در واقع حکم به شیء‌وارگی زن هستند:</p> <p>مهریه: پول خرید و فروش زن</p> <p>نفقه: مبلغ تمکین خاص زن</p> <p>اجرت‌المثل: مبلغ بسیار ناچیز (چیزی حدود یک میلیون برای هرسال زندگی مشترک) درازای کارخانگی زن آن هم مشروط به اثبات زن مبنی بر داوطلبانه نبودن کارخانگی!</p> <p>شیریهها: مبلغی در خصوص بی حقی زن نسبت به فرزندش همچون دایه‌ای که به فرزند دیگری شیر می‌دهد.</p>	
--	--

۲- خشونت حکومتی

دومین مضمون اصلی خشونت علیه زنان، خشونت حکومتی است که شامل سه مضمون فرعی (۱) زندانی سیاسی (۲) گشت ارشاد (۳) حمله سایبری به فمینیست‌ها است و توسط برخی از زنان فعال در حوزه نافرمانی مدنی به‌عنوان خشونت از جانب حکومت قلمداد می‌شود.

۲-۱- زنان زندانی سیاسی

زنان زندانی سیاسی اولین مضمون فرعی در خشونت حکومتی است. زنان خبرنگار با زنان زندانی سیاسی در مورد شرایط بند آنان و نوع برخورد و رفتار زندانبان باهدف شرح خشونت حاکم بر زنان زندانی سیاسی در ایران و شرایط نامطلوب ساختگی جهت منفی جلوه دادن ایران در اذهان عمومی گفتگو کردند. پست ذیل یکی از مصداقی است که از تکنیک‌های برچسب‌زنی، ایجاد ترس، دروغ بزرگ، القاء غم و تحریک احساسات و عواطف استفاده نموده است:

پست (۷) زنان زندانی سیاسی

Mahdiah_golroo	مهديه گلرو
<p>چندی پیش انجمن قلم سوئد برنامه‌ای درباره کتاب شکنجه‌های سفید نرگس محمدی داشت. یک انتقاد جدی توسط بسیاری از فعالین این است که چرا عده‌ای از زندانیان معروف تر و عده‌ای گم نام می‌مانند. من هم این انتقاد را داشته‌ام به‌ویژه در زندان که خوب خیلی‌ها ناشناخته بودند و من همیشه نامم در اخبار بود. این انتقاد را سایر زندانیان شناخته‌شده هم داشتند.</p> <p>زندانی‌های معروف اغلب کسانی هستند که سال‌ها قبل از زندان هم، فعالیت داشته‌اند و حلقه دوستان و آشنایان رسانه‌ای و غیر رسانه‌ای گسترده‌ای دارند و رسانه‌های بین‌المللی هم نام آن‌ها را تکرار می‌کنند. در این میان دو راه وجود دارد تخریب این چهره‌ها (که اغلب خودشان هم از سلبریتی شدن بی‌خبر هستند) و راه دیگر استفاده از این فرصت برای بیان سایر خواسته‌ها است.</p> <p>به‌عنوان مثال در این برنامه چند بار نام نرگس توسط مجری تکرار شد و پوستر نرگس هم وجود داشت پس نیازی نبود من از نرگس بگویم. اما نرگس یک زن زندانی در اوین است و در کنار نام او که نامی بارز است من از زنان زندانی، انفرادی، اوین، اعتراضات خیابانی، قصاص و اعدام و دیکتاتوری جمهوری اسلامی گفتم. نام نرگس، نسربین و هر زندانی که شناخته شده است می‌تواند فرصتی باشد تا از آنچه بر سایر مردم و زندانیان می‌گذرد بگویم. نام آن‌ها فرصتی را مهیا می‌کند تا بتوانیم صدای کسانی باشیم که صدایی ندارند.</p> <p>#زندانی_سیاسی #زندانیان_گمنام #حقوق_بشر #فرصت #شهرت #تخریب</p>	

پست ذیل مصداق دیگری از زندانی سیاسی است. در همین راستا کمپین دوربین ما، اسلحه ما، جهت رسانه‌ای شدن خشونت علیه زنان به شیوه روایتگری تصویری راه انداخته شده است. پست زیر از تکنیک‌های اغراق، دروغ بزرگ، جوسازی، تحریک احساسات و عواطف، ایجاد ترس، القاء غم و ایجاد یأس و ناامیدی را استفاده نموده است:

پست (۸) زنان زندانی سیاسی

Masih.alinejad	مسیح علی نژاد
<p>این ویدیوی کمپین #دوربین_ما_اسلحه_ما این ویدیو را بسیاری از نمایندگان مجلس‌ها و رسانه‌ها به اشتراک گذاشته و خشونت علیه زنان در ایران را محکوم کردند. اما این کافی نیست؛ ما زنان ایرانی از آن‌ها می‌خواهیم در برابر آنان که در رسانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، حجاب اجباری و چنین حکومتی را نرمال‌سازی می‌کنند عمل‌گرایانه بایستند. ایرانی که برخی توریست‌ها باحجاب رنگی رقص به شما نشان می‌دهند با ایرانی که ما هر روز در آن به خاطر سبک زندگی‌مان سرکوب می‌شویم فرق دارد. ایران واقعی ما را جمهوری اسلامی گروگان گرفته و پاسخ‌نه گفتن به قوانین واپسگرایانه در ایران واقعی شلاق، شکنجه، زندان، اعدام، قبرستان و یا تبعید و آوارگی است.</p> <p style="text-align: center;">□#LetUsTalk□</p>	

۲-۲- گشت ارشاد

دومین مضمون فرعی در خشونت حکومتی، گشت ارشاد است. طرح گشت ارشاد برنامه اجرایی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است که واکنش‌های مختلفی را به همراه داشته است. پست ذیل از تکنیک‌های ایجاد ترس، اغراق، تحریک احساسات و عواطف و تظاهر به یکپارچگی استفاده کرده است:

پست (۹) گشت ارشاد

nazvandbahari	نازوند بهاری
<p>به هلیا نگاه می‌کنم؛ به زنانی که وسط خیابان شر می‌کنند، گنده نثار هم می‌کنند و بی‌اعتنا به دوربین‌ها می‌خواهند در میدان بمانند. به زنان دیگری هم فکر می‌کنم. مثلاً به دختر جوانی که در آن محله‌ی عجیب هم‌زمان با من وارد اتاق بازرسی خواهران شد. کیفش را با خونسردی در اختیار مأمور گذاشت و واضح بود نمی‌داند حمل آنچه همراه دارد جرم است. بازرس با بهت به افشانه‌ی فلفل نگاه کرد. دختر آن را از دست مأمور بیرون کشید. دو مأمور زن تلاش می‌کردند افشانه‌ی فلفل را از او بگیرند. فریاد و فحاشی را به این تصویر اضافه کنید و همین‌طور هجوم مأمورین مرد را به اتاق بازرسی. در اتاق را قفل کردند. من ماندم، دختر ماند و مأمورین زن و مرد. دختر مبهوت است. عصبانی ست. تلاش می‌کند برای فرار. التماس می‌کند. فریاد می‌کشد و مدام می‌پرسد: "مگر چه کار کرده‌ام؟" به مأمور مرد التماس می‌کنم از شوکر استفاده نکنند، به دختر التماس می‌کنم افشانه را بدهد به من. صدای شوکر که بلند می‌شود چشمم را</p>	

می‌بندم و دستانم را می‌گذارم روی گوشم. چشمم را که باز می‌کنم می‌بینم دارند دختر را روی زمین می‌کشند و می‌برند. اتفاقی که آنجا افتاده بود همان نکبتی است که هرکداممان به‌نوعی آن را زیسته‌ایم، همین ما که یا بدحجاب بودیم، یا وسط خیابان عاشق بودیم و یا در مهمانی خوشی کرده بودیم. ما همگی مجرم بوده‌ایم با این تفاوت که هیچ‌گاه عربده نکشیدیم و جسممان روی سطح سیمانی کشیده نشد!

باز به هلیا نگاه می‌کنم؛ به زانی که وسط خیابان شر کرده‌اند، عربده کشیده‌اند و می‌خواهند در میدان بمانند. وقتی هلیا قمه را بیرون می‌کشد، مایی که تماشاچیان مبهوت این کشاکشیم، پلک نمی‌زنیم و ناباورانه به وجه زانهای خشونت نگاه می‌کنیم؛ همین ما که گمان می‌کنیم شرارت و قمه‌کشی امری "مردانه" است! اصلاً آن زنانگی مستتر در واقعه که مبهوتمان می‌کند چطور باعث نمی‌شود از خودمان بپرسیم که خطر و امنیت چگونه دارد در ا فشار مختلف بازتعریف می‌شود؟ آیا آنچه من برای محافظت از خودم انجام می‌دهم با آنچه زنی دیگر از قشری دیگر می‌کند یکسان است؟ اصلاً جامعه برای محافظت از زنان در خیابان‌ها چه کرده؟ چند زن به دلیل آنچه موسوم به بدحجابی یا رابطه‌ی نامشروع است در مواقع خطر از تماس با پلیس پرهیز کرده‌اند؟ می‌بینید؟ خشونت، برای ما به امری بدیهی بدل شده. دقیقاً همین ما که از قمه‌کشی یک زن در خیابان مبهوتیم! ما از زانی متعجبیم که شر می‌کنند و می‌خواهند در میدان بمانند. همین ما که بارها بسیار مجرم بوده‌ایم؛ بارها خشونت دیده‌ایم و بارها ساکت بوده‌ایم.

پست ذیل مصداق دیگری از گشت ارشاد است که با استفاده از تکنیک‌های برچسب‌زنی، اغراق، ایجاد ترس، جوسازی، دروغ بزرگ و تحریک احساسات و عواطف جهت ترغیب مخاطبین به همراهی در مقابله با گشت ارشاد استفاده نموده است:

پست (۱۰) گشت ارشاد

Masih.alinejad	مسیح علی‌نژاد
<p>این کار زیبای یک کارتون‌بست زن است در توئیتر به نام قلم‌فرسا. قلمش از قلب میلیون‌ها زن ایرانی روایت کرده که تصمیم‌شان را گرفته‌اند تا با شجاعت از روی قوانین زشت و واپس‌گرا، از یک حکومت آپارتایدی عبور کند.</p> <p>و اما چند نکته آموزش که در مواجهه با گشت ارشاد باید انجام داد:</p> <p>اگر رهگذر هستید زن و مرد باهم وقتی می‌بینید گشت ارشاد دختری را دستگیر کرده سکوت نکنید، تماشاچی نباشید و به کمک‌شان بروید. اجازه</p>	

ندهید آن‌ها را با خودشان ببرند و برای‌شان پرونده‌سازی کنند. وقتی گشت ارشاد آمد سراغتان، با صدای بلند اعتراض کنید و بگویید که من کار اشتباهی نکردم و لباسم ایرادی ندارد. حق ندارید مرا به‌خاطر لباسم بازداشت کنید. حق ندارید مرا به‌خاطر نوع سبک زندگی و انتخابم بازداشت کنید. از آن‌ها عذرخواهی نکنید نگوید لباس من که ایرادی ندارد. با اقتدار بایستید و بگویید من برده قوانین بد نیستم و حق ندارید مرا با خودتان ببرید.

۳- از رهگذرانی که از کنارتان عبور می‌کنند با صدای بلند کمک بخواهید، از آن‌ها بخواهید مداخله کنند و با شما هم‌صدا شوند. نا امید نشوید، از بین رهگذران هستند کسانی که صدای شما را می‌شنوند و به دفاع از شما می‌آیند. فقط پرامید خطاب به رهگذاران فریاد بزنید و یاری بخواهید. چون مردم که جمع شوند با همراهی و همبستگی می‌توان راحت‌تر مقابل گشت ارشاد ایستاد.

اگر شما را به‌اجبار سوار ماشین‌شان کردند، یک گوشه بی‌صدا بنماید. با بقیه در داخل ون گشت ارشاد حرف بزنید و دست‌جمعی اعتراض کنید. وقتی با دیگران حرف می‌زنید از همدیگر قدرت می‌گیرید، با زنان مامور هم با صدای بلند حرف بزنید و بگویید که کارشان مصداق برده‌داری است. بگویید: خوشستان می‌آید کسی چادر را به‌اجبار از سرتان در آورد؟ به چادرشان دست بزنید، ببینید چقدر عصبانی می‌شوند. بگویید پس شما هم حق ندارید به من دست بزنید. از موضع قدرت با آن‌ها حرف بزنید چون حق با شماست نه کسی که آزارگری می‌کند.

یادتان باشد شما اشتباهی نکردید، بازداشت برای لباس فقط کار جمهوری آپارتاید اسلامی، داعش و طالبان است. شما مقصر نیستی پس با صدای رسا داد بزن و اعتراض کن.

از پدران و مادران و خانواده‌ها هم خواهش می‌کنم وقتی برای آزاد کردن عزیزان‌تان می‌روید به پلیس امنیت برای آن‌ها دسته گل هدیه ببرید فقط با مانتو و حجاب رفتن و یا سرزنش کردن آن‌ها خطاست. تصور کنید حکومت ببیند خانواده‌ها برای زنانی که به جرم بی‌حجابی دستگیر می‌شوند به جای حجاب و مانتو گل می‌برند. ما را تنها نگذارید چون حق با ماست. حق انتخاب سبک زندگی نرمال با ماست.

طرح‌ها از صفحه توییت قلمفرسا

۲-۳- حمله سایبری به فمینیست‌ها

فمینیست‌ها در برهه زمانی که شرایط معیشت مردم به علت گرانی‌ها نابسامان شد، با افزایش دنبال‌کنندگان پیچ شخصی به صورت غیرواقعی و جعلی^۱، به صورت همگانی جریانی را با عنوان حمله سایبری توسط سپاه پاسداران راه انداختند تا این‌گونه جلوه دهند که مردم در اولویت سپاه و جمهوری اسلامی نیستند و بیت‌المال را بدین صورت هزینه می‌کنند. در همین راستا جهت طبیعی جلوه دادن آن، صفحه^۲ خود را تا چند روز به بهانه حفظ صفحه، خصوصی^۳ کردند.


این پروژه تخریبی برای فمینیست‌ها سه دستاورد به دنبال داشت: (۱) افزایش دنبال‌کنندگان به صورت غیرواقعی در کوتاه‌ترین زمان جهت مؤثر جلوه دادن پیچ شخصی (۲) تشویش اذهان عمومی نسبت به سپاه پاسداران (۳) برجسته شدن ۳۰ نفر از فمینیست‌ها با پوشش خبری این موضوع و حمایت از یکدیگر در صفحات کاری و شخصی

حمله سایبری به فمینیست‌ها سومین مقوله فرعی در خشونت حکومتی است. پست ذیل از تکنیک‌های دروغ بزرگ، اغراق، جوسازی، تحریک احساسات و عواطف و ایجاد ترس استفاده نموده است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. fake
2. Page
3. private

پست (۱۱) حمله سایبری به فمینیست‌ها

Mahdieh_golroo	مهديه گلرو
<p>تلاش برای از دسترس خارج کردن اینستاگرام فمینیست‌ها. جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته زنان فعال را احضار و بازداشت می‌کرد و حالا علاوه بر بازداشت این صفحه‌ها در شبکه‌های اجتماعی مورد حمله قرار می‌گیرد.</p> <p>حکومت از هر نوع آگاه شدن مردم وحشت دارد، طرح صیانت و محدود کردن اینترنت هم به همین دلیل است.</p> <p>#فمینیسم #آموزش #ارتش_سایبری</p> <p>بوس به همه شما هک شده‌ها، چه اونهایی که می‌شناسم چه خیلی‌ها که نمی‌شناسم. خوش حال باشید که این حمله یعنی یه جایی سوخته 😊</p>	

پست ذیل مصداق دیگری از حمله سایبری به فمینیست‌ها است که از تکنیک‌های تظاهر به یکپارچگی، تحریک احساسات و عواطف، جوسازی، مظلوم‌نمایی، دروغ بزرگ، القاء غم، ایجاد حس یأس و ناامیدی، دشمن‌سازی و بحران‌سازی تصنعی استفاده نموده است:

پست (۱۲) حمله سایبری به فمینیست‌ها

nozhatbadi	نزهت بادی
<p>در طول این سال‌ها که درباره زنان می‌نویسم، بارها خسته و ناامید شدم. مخصوصاً در چند ماه اخیر که به‌اجبار از وطن و خانه و خانواده‌ام جدا شدم. هر بار که به مادر پیرم فکر کردم که دیگر هرگز او را نمی‌بینم، هر بار که به خواهرم فکر کردم که هنوز اشکش بند نمی‌آید، هر بار که به دختر کوچکم فکر کردم که بناگاه از خانواده و دوستان و همه دل‌بستگی‌هایش جدا شد، هر بار که به خانه و تک‌تک چیزهای کوچک اما عزیزم فکر کردم که همه به حراج رفت، هر بار که به حرف‌های ناروا و ناحق عده‌ای فکر کردم که آزارم دادند و سکوت کردم، هر بار که به پیشنهادهایی برای پیشرفت و رفاهم فکر کردم که به احترام ایران و باور مخاطبانم رد کردم، از خود پرسیدم آیا نوشتن برای زنان ارزشش را دارد که در چهل‌سالگی با یک دختر هشت‌ساله، گوشه امنم را از دست بدهم و ندانم که قرار است کجای دنیا سکنی گزینم؟ آیا اصلاً بودونبودم برای مخاطبانم اهمیتی دارد و اگر به هر دلیلی بلایی سرم بیاید، مرا به یاد خواهند سپرد؟ آیا نوشته‌هایم، دنیای خالی زنی را پر نور کرده و به او الهام بخشیده که برای رسیدن به رؤیایش تلاش کند؟ آیا حرف‌هایم، مردی را نسبت به تبعیض جنسیتی حساس</p>	

کرده و اشتیاق او را برای ساختن جهانی امن و برابر برای همه برانگیخته است؟ حمله سایبری به صفحه‌ام و بقیه فمینیست‌ها، برای من ضربه دردناکی بود و این روزها بسیار سخت گذشت؛ زیرا این صفحه، جایگزینی برای خانه و وطنی است که مرا به‌اجبار از آن دور کردند و می‌دیدم که چطور تلاش می‌شود تنها راه ارتباط من و شما قطع شود؛ اما حضور پرمهر و گرم شما در کنارم، به من قدرت بخشید. هر بار که نام‌های آشنای شما را در میان انبوه پیج‌های فیک و بیگانه دیدم که مرا به نام خواندید و سرشار مهربان کردید، حال کسی را داشتم که وقتی سرزمین و خانه‌اش اشغال شده، هم‌وطنش را می‌بیند که به کمکش آمده است. هر بار که دیدم شما هم به‌اندازه من نگران از دست رفتن صفحه هستید و با حمایت و دلگرمی تان تنها می‌مانید، فهمیدم اینجا فقط خانه من نیست. شما هم هست. من چقدر خوشبختم که خانه‌ام، قلب‌های مهربان هم‌وطنانم است که مرا حتی از راه دور از خودشان می‌دانند و کنارم می‌مانند. حالا هر بار که روزگار سخت شود و دل‌تنگی قلبم را به درد آورد، به یاد این روزها و مهر شما می‌افتم و به خود می‌گویم: می‌ارزید! در آخر دلم می‌خواهد به همه کسانی که قصد حذف مرا دارند، بگویم: پشت این پیج، فقط یک زن نیست که بتوانید او را نابود کنید. هزاران زن است که توان مبارزه با آن‌ها را ندارند.

#نزهت_بادی

۳- خشونت عمومی

خشونت عمومی به‌عنوان سومین مضمون اصلی است که شامل دو مقوله فرعی (۱) خشونت در محل کار و تحصیل (۲) خشونت در اماکن عمومی می‌باشد که از اقسام مختلف خشونت برخوردار است. از جمله خشونت کلامی، خشونت جنسی و خشونت جسمی. برخی از زنان کنشگر در حوزه نافرمانی مدنی به‌گونه‌ای خشونت عمومی در ایران را باهدف ایران‌هراسی در فضای مجازی روایتگری می‌کنند تا ایران به‌عنوان کشوری ناامن جلوه داده شود. نکته حائز اهمیت در فعالیت نافرمانان مدنی این است که خشونت عمومی را در اماکن مذهبی، مساجد و حرم‌های مقدس باهدف اسلام‌هراسی را بدون مستندات روایت می‌کنند. یکی دیگر از مواردی که بر آن متمرکز شده‌اند بدین‌صورت است که بسیجیان و سپاهیان را به‌عنوان افراد آزارگر معرفی می‌نمایند تا نسبت به این قشر از جامعه ترس را در میان مردم ایجاد نمایند.

۳-۱- خشونت در محل کار و تحصیل

اولین مضمون فرعی در خشونت عمومی، خشونت در محل کار و تحصیل است که اقسام مختلف خشونت را دربردارد. در همین راستا پست ذیل از تکنیک‌های شدت و اغراق، جوسازی، تحریک احساسات و عواطف، برچسب‌زنی، ارائه اطلاعات گزینش شده، جهت‌دار کردن و بحران‌سازی تصنعی استفاده نموده است:

پست (۱۳) خشونت در محل کار و تحصیل

shaghayeghnorozi	شقایق نوروزی
<p>گفتن از چرابی این انتخاب تلخ (خودکشی) وقتی در کل یک جامعه رو به افزایش است بی‌شک مسئله عدم دسترسی به عدالت را به‌عنوان یک عامل مهم پررنگ می‌کند.</p> <p>اتفاقی که برای #زهره_فکورصبور افتاد، خبر خودکشی آزاده نامداری را برایم زنده کرد</p> <p>این خبر مرگ‌های انگار سیستماتیک سالی یک‌بار در میان زنان رسانه جمهوری اسلامی.</p> <p>در اینجا باید دوباره از وضعیت زنان و کار تصویر در ایران حرف بزنیم. از عدم دسترسی تقریباً مطلق آن‌ها به عدالت و سازوکارهایی که حداقل حقوق انسانی آن‌ها را تضمین کند.</p> <p>این حداقل‌ها یعنی: امنیت مالی امنیت روانی فیزیکی و جنسی.</p> <p>وقتی حتی همین نهادهای کوچک مانند صنف بازیگران «خانه سینما» هم قرار است بدبختی‌های مدام زنان در آن کار را مانند:</p> <p>مورد قلدری قرار گرفتن مورد باج‌گیری یا خشونت جنسی قرار گرفتن مورد خشونت مالی و روانی قرار گرفتن را، پشت درهای بسته دفتر "صنف" و با تشویق به "سازش" حل کند پرواضح است که سیستم تماماً مردانه قلدر و فاسد مردان تهیه‌کننده و کارگردان (که درنهایت در طول این سال‌ها دیگر کاملاً حکومتی شده) هر کاری بخواهد با زنان این صنف می‌کند.</p> <p>در این میان موجود زالوصفتی به نام #امین_فردین هم از دل همین حکومت و سیستم</p> <p>در فضای مجازی مدتی است چون قارچی سمی روییده است.</p> <p>مردی کم‌مایه، بدون حداقل فهمی از دستگاه‌های انتقادی و تنها با رویکردی به‌اصطلاح "پاپاراتزی گونه" اما از نوع ویرانگرش چراکه پاپاراتزی سمی در سیستم های سرکوبگر با انگاره‌های مردسالار نقشش فقط و فقط تبدیل به ابزار شکنجه افراد خصوصاً زنان که در حال کشیدن بار عفت و گناه جامعه به دوش هستند می‌شود،</p>	 <p>زهره فکور صبور، بازیگر سینما و تلویزیون در ۴۳ سالگی درگذشت خودکشی کرد</p>

او با خواندن خبرهایی نظیر "رابطه این زن با آن یکی" "آن یکی با دیگری" به مردم نان می‌خورد و اجازه پیدا می‌کند با مغز سرتاپا جنسیت زده‌اش رنج این زنان که هزاربارہ دارند در آن سیستم مصرف می‌شوند را منبع درآمد خود کند. و بماند که هر کدام از ما هم با دنبال کردن و اعلام لایک کردنمان «این دیدم و پسندیدممان» در زیر پست‌های این آدم کثیف باید در پی پیدا کردن سهممان از این خشونت‌ورزی منجر به سوق دادن این زنان به سوی مرگ‌هایی چنین خودخواسته باشیم.

اینکه تصمیم تلخ زهره برای دست بردن به خودکشی در سن ۴۳ سالگی بی‌تأثیر از فشار وارده بر روح و روان رنجور شده‌اش از این کثافت‌کاری‌های کسی مانند فردین نبوده است را باید دید و جدی گرفت.

اگر حتی این آخرین سنگ‌ریزه‌ای بر ناامیدی او از ادامه زندگی درجایی از جهان بوده باشد که هیچ چیزش، سر جا نیست

پست ذیل مصداق دیگری از خشونت در محل کار و تحصیل است که از تکنیک‌های برچسب‌زنی، اغراق، تحریک احساسات و عواطف، جوسازی و دروغ بزرگ استفاده نموده است:

پست (۱۴) خشونت در محل کار و تحصیل

Samaneh savadi	سمانه سوادی
<p>جنبش من هم ایرانی هرروز پخته‌تر و رهایی‌بخش‌تر به مسیرش ادامه می‌دهد. درخشان‌ترین تعبیر ممکن را از عزیزی شنیدم که گفت «این جنبش یک‌دوی امدادی است، دیگرانی روایت کردند و الهام‌بخش من شدند، من روایت می‌کنم و الهام‌بخش دیگرانی می‌شوم».</p> <p>یکی پس از دیگری نام مردان سینماگر به‌عنوان آزارگر منتشر شد. زنانی قدم پیش نهادند و فاش کردند مردانی با تکیه بر قدرت و شهرت خود به آن‌ها آزار رسانده‌اند. درنهایت این روایتگری‌ها باعث شد زنان سینماگر در بیانیه‌ای خواهان توقف آزار در سینما شوند، مطالبه آن‌ها شکل‌گیری مکانیزم‌ها و تشکیلاتی برای پیشگیری، گزارش‌دهی و برخورد با آزارگر بود.</p> <p>انتشار بیانیه گویا نمک بود بر زخم برخی از زنان! آن‌ها که در گذشته از تجربه آزار گرفته بودند و به سکوت تشویق شدند و طرد و منزوی شدند. برخی‌شان خشمگین شدند و نویسندگان بیانیه را فرصت‌طلب خطاب کردند، برخی دیگر با مناعت طبع اعلام کردند «هرچند شما در برابر ما ایستادید، اما ما کنار شما می‌ایستیم»</p> <p>احتمالاً برای بسیاری از ما پیش‌آمده باشد که در گذشته در سمت غلطی</p>	

ایستاده باشیم، صدایی را خفه کرده باشیم و دستی که به طلب یاری سمتان دراز شده را پس زده باشیم. شاید بسیاری از ما در برخی مواقع ناچار به باج دادن به سیستم سرکوب شده باشیم، برای تاب آوردن سکوت کرده باشیم، چه خوب اگر امروز تغییر کردیم. من فکر می‌کنم باید در مورد قصور و کوتاهی‌مان در گذشته هم صحبت کنیم. باید فروتنانه برای سکوتمان، ایستادن کنار آزارگران، باور نکردن و سرزنش بازماندگان آزار ابراز نأسف کنیم. اگر می‌شود مرهمی بگذاریم و گام‌های عملی در راه حق‌طلبی برداریم. این بخشی از مسیر رسیدن به عدالت است که می‌توانیم باهم و در کنار هم طی کنیم، به جای اینکه در برابر هم قرار بگیریم.

این مبارزه، مبارزه ماست علیه خشونت جنسی. تک‌تک بازماندگان آزار جنسی را باید بشنویم، باید آنان که بازماندگان را وادار به سکوت کردند پاسخگو کنیم و برای رنج مضاعفی که شاید به آزاردیدگان تحمیل کرده‌ایم دلجویی کنیم، اما نباید فراموش کنیم آنکه روبروی ماست سیستم تبعیض جنسیتی، فرهنگ تجاوز و آزارگرانند.

اگر به تازگی به‌صفت مبارزان علیه خشونت جنسی پیوسته‌اید؛ خوش آمدید! خوب است آگاه باشید قدم در راهی گذاشتید که همان زنانی که کنارشان نایستادید ساختند، مسیرتان هموار.

عکس تزیینی است.

#من_هم #می_تو #بیانیه_زنان_سینماگر

۲-۳- خشونت در اماکن عمومی

دومین مضمون فرعی در خشونت عمومی، خشونت در اماکن عمومی است. پست ذیل از تکنیک‌های اغراق، دروغ بزرگ، تحریک احساسات و عواطف، القاء یأس و ناامیدی، ایجاد ترس و القاء غم استفاده نموده است:

پست (۱۵) خشونت در اماکن عمومی

Fatima_babakhani	فاطمیما باباخانی
<p>"ما اینجا بودیم و نجات یافتیم"</p> <p>-پادداشت زنان نجات‌یافته از خشونت خانگی و رد دست آن‌ها-</p> <p>امروز روزی جهانی برای زنان هست؛ تا درباره تهدیدها، چالش‌ها، محدودیت‌ها و تبعیض سیستمیک و سیستماتیک زنان در هر نقطه از جهان حرف بزنیم. تا شاهد اقدامات مثبت دولت‌ها، نهادهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای بهبود و تحول وضعیت زنان، توقف خشونت مبتنی بر جنسیت، ارتقا دسترسی زنان به آب سالم، بهداشت و آموزش، شکستن</p>	

سقف‌های شیشه‌ای اجتماعی در مدیریت کلان و سهم‌گیری اجتماعی-سیاسی زنان در عرصه عمومی باشیم. امروز روزی برای توجه و مرور تاریخ نابرابر نسبت به زنان هستیم. میلیون‌ها زن قربانی تجاوز، سکوت، اجبار به خودکشی، کشته شدن، ازدواج اجباری، بارداری و فحش‌های اجباری در نقطه‌به‌نقطه جهان هستند.

در ایران نیز؛

سهم زنان از #کولبری_برای_آب، #ازدواج_اجباری، #کودک_همسری، #کودک_مادری، #خشونت_خانگی، #زن_کشی، #ناموس_کشی، #تبعیض_جنسیتی، حذف زنان از عرصه‌های سیاسی، حذف و نادیده انگاری عامدانه در عرصه سیاست‌گذاری کلان، نادیده انگاری زنان در توسعه، عدم دسترسی کافی به آموزش، خلأهای قانونی در حمایت از زنان و تأمین امنیت آنان، تبعیض و آزار در محیط کار، نابرابری در عرصه‌های علمی و ورزشی و هنری از تخصیص بودجه تا بسترسازی زیرساختی برای گروه‌های مذکور، همه و همه از جنبه‌های مختلف برای زنان بیش‌ازاندازه و پرفشار بوده و هست.

ضرورت توجه به وضعیت زنان و مطالبه‌گری آن‌ها و اقدام مثبت از بایسته‌های هر حکومتی است؛ و بخشی از مطالبه‌گری برای تحقق این امر بر عهده رسانه و فعالین اجتماعی است.

من به‌عنوان یک پژوهشگر و فعال حوزه زنان، در کنار خواهرانم گام‌هایی برای کاستن از این خشونت‌ها و نابرابری برداشته‌ایم. گامی اندک، با سختی وصف‌ناپذیر بسیار!

و اکنون در روزی جهانی برای زنان، می‌توان امیدوارانه گفت که هر قدمی، حتی اندک، حتی اگر بر زندگی فقط صد زن اثر بذاره، یک جریان اثرگذار و عمیق که با تکرار و مداومت به ثمر میرسد.

بباید هر کدام از ما به سهم خود، قدمی برداریم. هر کدام از ما با تربیت نسلی آگاه‌تر، مسئول‌تر، متعهدتر، آگاه به جایگاه حقیقی انسانی زنان، به حضور امن اجتماعی زنان کمک کنیم.

من هزار بار خسته میشم!

هزار بار ناامید میشم!

هزار بار از پای درمیام!

و بار هزار و یکم دوباره از نو شروع می‌کنم.

قدم اول برای کمک به زنی، حمایت از اوئه! حامی همدیگر باشیم. خواهرانه کنار هم بایستیم و از عهده اصلاح و تغییر و توقف نابرابری جنسیتی بریاییم.

#خانه_امن_غیردولتی_مهر_شمس_آفرید

#فاطمیما_باباخانی

پست ذیل مصداق دیگری از خشونت در اماکن عمومی است که از تکنیک‌های ایجاد یأس و ناامیدی، ایجاد غم، تحریک احساسات و عواطف، بحران‌سازی مصنوعی، جهت‌دار کردن، نفی و اثبات، افکار تحریف‌شده و تظاهر به یکپارچگی استفاده نموده است:

پست (۱۶) خشونت در اماکن عمومی

shaparakshajarizadeh	شاپرک شجری‌زاده
<p>#نه_یعنی_نه</p> <p>از مسیح که این کلیپ رو درست کرد و بقیه زنانی که این کمپین رو تشکیل دادن تشکر می‌کنم</p> <p>باور دارم که با تکرار و تکرار و تکرار که می‌تونیم در تغییر رفتارهای غلط اجتماعی فرهنگ‌سازی سهیم باشیم</p> <p>به‌شخصه به تغییر قانون در جمهوری اسلامی امید ندارم ولی اینکه #زنان_قانون_تعیین_می‌کنند رو قبول دارم و می‌دونم تا روزی که زنان ایرانی بتونن در سیاست‌گذاری دخالت کنند و قوانین متحجر اسلامی و ضد زن رو تغییر بدن، می‌تونن تو آگاهی‌رسانی و قدرت دادن به یکدیگر نقش داشته باشن</p> <p>راهنمای تجاوز ممنوع!</p> <p>راهنمای تجاوز ممنوع!</p> <p>اگر زنی اومد خونه‌تون به خاطر نوشیدن چای یا شراب، این به معنی این نیست که حق‌داری تجاوز کنی.</p> <p>اگر زنی دامن کوتاه پوشید، اصلاً لخت بود، این چراغ سبز به تو نیست که تجاوز کنی.</p> <p>اگر زنی دوستت داره ولی نمیخواد باهات رابطه جنسی داشته باشه نمیتونی بهش تجاوز کنی.</p> <p>اگر زن خودت نمی‌خواهد به هر علتی باهات رابطه جنسی داشته باشد تو نمیتونی بهش تجاوز کنی.</p> <p>اگر زنی از روی دوستی و درد دل کردن اومده پیشت، معنانش این نیست که می‌تونی دست‌مالیش کنی...</p> <p>اگر زنی رو دوست داری این حق رو نداری دستش رو بگیری بدون اجازه اون</p> <p>اگر زنی تو رو خونس دعوت کرد حق نداری بهش تجاوز کنی</p> <p>اگر زنی برات کار میکنه و زیر دست تو هست حق نداری بهش تجاوز</p>	

<p>کنی.</p> <p>اگر زنی قشنگ می‌رقصد معنی‌اش چراغ سبز به تو نیست اگر خوب می‌خواند معنی‌اش چراغ سبز به تو نیست.</p> <p>اگر زنی با او شوخی کرد معنی‌اش چراغ سبز به تو نیست اگر تو محل کار چیزی بهش تعارف کرد و باهات مهربون بود معنی‌اش چراغ سبز به تو نیست</p> <p>اگر از تو کمک خواست که تا جایی برسونیش معنی‌اش چراغ سبز به تو نیست</p> <p>اگر بهش پول قرض دادی معنی‌اش این توست حق داری بهش تجاوز کنی.</p> <p>اگر آدم محبوب و مشهوری هستی به این معنی نیست همه از خداشونه باهات بخوابن، سلبریتی هستی باش، حق نداری به هر زنی که دلت خواست تجاوز کنی</p> <p>اگر با زنی تنهایی</p> <p>تو مغازه تو کوچه تو ماشین تو محل کار تو مطب دکتر تو پارکینگ تو آسانسور</p> <p>حق نداری بیفتی روش و دست درازی کنی.</p> <p>اگر زنی اومد خونه و روسری از سرش برداشت یا لباس رنگی پوشیده، لباسش، لختیه، نیمه بازه، نیمه بازه، این به معنی این نیست که راهت بازه بری بهش تعرض کنی.</p> <p>اگر زنی از روبرو میاد بهت لبخند زد معنی‌اش چراغ سبز به تو نیست. باور کن لبخند یک زن چراغ‌راهنما به مرد نیست.</p> <p>برادر، پدر، دایی، عمو، شوهرعمه، شوهرخاله، پسرعمه، پسرخاله‌ای باش، این دلیل نمی‌شه مالک بدن زن‌های فامیلت باشی و هر وقت دلت خواست انگولک‌شون کنی، تجاوز کنی،</p>	
--	--

نتیجه گیری

یافته‌های این تحقیق نشان داد، هر یک از زنان فعال در حوزه نافرمانی مدنی بر موضوع خاصی متمرکز می‌شوند و به صورت شبکه‌ای یکدیگر را حمایت می‌کنند و سبب ضریب دادن به محتوای صفحه شخصی یا کاری دیگری می‌شوند. از این رو کمپین‌های موضوعی که توسط هر یک از کنشگران این حوزه راه انداخته می‌شود، شبکه‌سازی قوی را به همراه خواهد داشت؛ زیرا با به اشتراک‌گذاری جمعی و واژه‌سازی‌های خاص، در ذهن مخاطب ماندگار می‌شود. از طرفی جبهه انقلاب به‌عنوان واکنش‌دهنده به بیشتر دیده‌شدن فعالیت آنان کمک می‌کند و جریان‌سازی، خروجی محور می‌شود.

نتایج این پژوهش نشان داد غالب زنان کنشگر در حوزه نافرمانی مدنی تجربه‌های مختلفی را در برهه زمانی کسب کرده‌اند که در انتخاب مسیر آنان مؤثر واقع شده و برخی از آنان در اطرافیان نزدیک خود مشاهده‌گر بوده‌اند. در این راستا، تجربه‌گری سبب شد تا روایتگری یکی از شیوه‌های مرسوم آنان در قالب‌های مختلف باشد؛ به‌گونه‌ای که اکثر کمپین‌های آنان با همین شیوه کلید می‌خورد؛ زیرا از همین طریق مخاطب با همذات‌پنداری با روایت همراه می‌شود؛ بنابراین روایتگری روشی تدریجی، مستمر و اثرگذار است.

تکنیک‌های پرکاربرد در مصادیق خشونت علیه زنان به شرح ذیل است:

جدول (۱) تکنیک‌های پرکاربرد

تکنیک‌های مورد استفاده پرکاربرد	ردیف
تحریک احساسات و عواطف	۱
جوسازی	۲
برچسب‌زنی	۳
اغراق	۴
ارائه اطلاعات گزینش‌شده	۵
بحران‌سازی تصنعی	۶



فهرست منابع

۱. اسعدی، محمدحسین، نافرمانی مدنی در اندیشه دینی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق، تهران، دانشکده حقوق واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۲
۲. شفیعی سروستانی، ابراهیم، جریان شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران، چاپ چهارم، قم، بلوار معلم، مجتمع ناشران، انتشارات کتاب طه، ۱۳۹۶
۳. شیخ زاده، محمد؛ بنی اسد، رضا، تحلیل مضمون، چاپ اول، تهران، نشر لوگوس، ۱۳۹۹
۴. علی کریمی، علی اکبر، تأثیر شبکه های اجتماعی مجازی بر نافرمانی مدنی در ایران، رساله دکتری تخصصی رشته علوم سیاسی، مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، ۱۳۹۷
۵. لرستانی، فریبرز، جنبش اجتماعی زنان ایران، پژوهش زنان، ۶، ۱۳۸۲
۶. معین آبادی، حسین؛ مهربابناه، معین، شناسایی مصادیق نافرمانی مدنی در جنبش های اجتماعی معاصر ایران، سیاست، ۳، ۱۳۹۸
۷. نظرپور، مهدی، نافرمانی مدنی، حصون، ۱۳، ۱۳۸۶
۸. نورمن بووآی؛ رابرت سیمون، نافرمانی مدنی: تأملی در رابطه قانون و نظم، مطالعات راهبردی، ۱۰، ۱۳۷۹
۹. ورعی، سیدجواد، بررسی فقهی فرمان برداری و نافرمانی مدنی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۴